

اهمیت اسباب بازی در شکل گیری شخصیت

جامعه‌شناسان و روانشناسان معتقدند که کودک از طریق بازی، نقشهای اجتماعی را می‌آموزد. با فرهنگ جامعه خویش آشنا می‌شود، ارزشهای آن را درونی می‌کند و نهایتاً شخصیت خاص خود را می‌یابد. از این رو شایسته است توجه به بازی و وسایل آن، که یکی از مهم‌ترین عوامل اجتماع‌پذیری به‌شمار می‌آید، در حوزه سیاستگذاری فرهنگی قرار گیرد.

با توجه به این مساله درمی‌یابیم که بازی چه نقش مهمی را در زندگی کودکان ایفا می‌کند، به‌گونه‌ای که می‌توان بازی را شکل‌دهنده شخصیت کودک دانست. اگر تحلیل دقیقی روی بازی کودک در خردسالی داشته باشیم، می‌توانیم تا حد زیادی شخصیت او را در بزرگسالی بیابیم؛ خشونت، کمرویی، عصبی بودن، ترس و وحشت و عدم اعتماد به نفس در بزرگسالان جزو مواردی هستند که در بازی‌های کودکان این افراد قابل کشف می‌باشند و اگر در همان دوران به کمک کودکان برویم، در بزرگسالی با مشکلات کمتری روبه‌رو خواهند شد. از بازی کردن کودک خود جلوگیری نکنید زیرا در بازی، کودک توانایی ارتباط جمعی با دنیای اطراف خود را پیدا کرده و قادر به حل مشکلات کوچک و بزرگ خود خواهد بود. نظر به اهمیت هویت یابی فرهنگی در دوران کودکی، سیاستگذاری فرهنگی می‌باید توجه خود را به شیوه‌هایی معطوف کند که از طریق آن نمادها و ارزشهای ملی به کودکان منتقل شود، کودکان از طریق آن با فرهنگ خود آشنا شوند.

نهاد های فرهنگی وظیفه دارند تا کودکان را با داشته های تاریخی و فرهنگی خود آشنا سازند تا آنچه خود دارند زیبگانه تمنا نکنند. مهم است که کودک در بستری رشد کند که از لحاظ فرهنگی هماهنگ باشد. جغرافیا، آداب و رسوم، اقلیم و فرهنگ بر روی رشد و نحوه بازی کودکان اثر می‌گذارد و از آنجایی که کودکان در هنگام بازی مشق زندگی می‌آموزند در بزرگسالی نیز می‌توانند یک شهروند وفادار و یک هم‌میهن آگاه پرورش یابند.

تاریخچه اسباب بازی

یافته های باستان شناسی

تاریخچه دقیقی از قدمت اسباب بازی در تمدن بشری وجود ندارد. اما اگر به جستجوی اینترنتی در شبکه های اطلاعاتی بپردازیم برخی کشور ها مدعی داشتن قدیمی ترین اسباب بازی های جهان هستند.

مصر، یونان و حتی ترکیه از مدعیان این حقیقت اند. اما صرف نظر از اینکه به واقع کدام کشور و یا تمدن قدیمی ترین اسباب بازی دنیا را داشته این نکته توجه را جلب می‌کند که ماهیت داشتن اسباب بازی به قدری مهم است که رقابتی برای به دست آوردن مقام اول پیش می‌آید. حقیقت غیر قابل انکار این است که به اندازه عمر کودک اسباب بازی نیز وجود داشته است. کودک در هر قوم و تمدنی نیاز به بازی دارد و یکی از ابزار های بازی اسباب بازی است. از آنجایی که دنیای کودکان ساده و بی تکلف است یک شیء ساده می‌تواند برای کودک حکم اسباب بازی را داشته باشد. برای مثال گوی کوچک و ساده ای از سنگ، شاخه های درختان، پیکرک هایی از استخوان و حتی گاه پوست ذرت می‌تواند وسیله ای برای بازی کودکان قرار گیرد. اینجاست که باید به اهمیت اسباب بازی مردم ساخت بپردازیم.

در زمان های قدیم قبل از صنعتی شدن بشر، اسباب بازی ها نیز دست ساز بوده و بسته به جغرافیای تمدنی فرق می‌کرد. جغرافیا که مجموعه ای از فرهنگ و اقلیم محسوب می‌شود تعیین کننده جنس و شکل اسباب بازی بوده است. اگر اقلیمی جنگلی و پر درخت بوده اسباب بازی ها بیشتر از چوب و شاخه درختان ساخته می‌شد و اگر خشک و کویری باشد از سنگ و گل درست می‌شد. مثلاً اسباب بازی های ناحیه بلوچستان از برگ درخت داز بافته می‌شوند و عروسکی در روستای چنار شیخ اسد آباد از سنگ، همچنین سوتسوتک هایی در روستای علی آباد از گل و فرفره های چوبی در روستای کوتنار گیلان از شاخه های درختان انار. حتی پس از وارد شدن اتومبیل به کشور در کاشان ماشین های کوچکی از گل رس ساخته می‌شد که شکل پیش رفته تر آن بعد ها در ری به شکل حلبی پدیدار گشت.

و اما اگر بخواهیم در باره قدمت اسباب بازی در ایران جستجو کنیم و به ویتترین موزه ها نگاهی بیندازیم به چیزی در حدود ۵۰۰۰ سال پیش باز می گردیم در ناحیه جیرفت کرمان که عروسک ها و پیکرک هایی با دستان و پاهایی لولایی از جنس سنگ یافته شده است. البته هیچ نوشته و سند مکتوبی دال بر اینکه این پیکرک ها بازیچه کودکان باشند یافت نشده اما باستان شناسان حدس می زنند که عروسک هایی با دستان متحرک می تواند بازیچه کودکان نیز باشد. همچنین در همین ناحیه تخته بازی شبیه نرد با مهره هایی سنگی یافت شده که خود نشان از قدمت بازی در ایران دارد. جنجغه سفالی شوش (اواخر هزاره دوم قبل از میلاد) ، پیکرک های کوچک، ارابه رانان فلزی نیز این حدس و گمان را برای باستان شناسان ایجاد می کند که کار برد بازیچه داشته باشند.

ادبیات کهن

یکی از مهم ترین اسناد در حوزه تاریخچه بازی و اسباب بازی اشعار هستند که اگر در آنها جستجو شود کما بیش نحوه برخورد کودکان و فرهنگ اسباب بازی در ازمنه پیشین آشکار می گردد.

از قدیمی ترین نوشتار ها در این رابطه می توان به شاهنامه فردوسی اشاره نمود که در هنگام تولد رستم برای اینکه خبر خوش را به جد پدری بدهند ابتدا عروسی را به جای رستم برای زال می فرستند. در اینجا عروسک تبدیل به شیئی می شود که قبل از خود نوزاد به پدر بزرگ نشان داده می شود.

یکی کودکی دوختند از حریر

به بالای آن شیر ناخورده شیر

درون وی آگنده موی سمور

برخ بر نگاریده ناهید و هور

عروسی شبیه رستم که از پارچه حریر بوده و درونش از موی سمور پر شده بوده دوخته می شود. این شعر نشان می دهد که دست کم هزار سال پیش از این دوختن عروسک رایج بوده است.

و یا در روایتی از سعدی نقل است که شاهزاده ای مسابقه ای راه می اندازد و انگشترش را بر سر بامی می گذارد و شرط می کند که هر کس تیر را بتواند از میان حلقه انگشتری عبور بدهد ثروت بی شمار نصیبش کند. چها صد تیر انداز ماهر نمی توانند اما کودکی که بر سر بام در حال بازی با تیر و کمانی اسباب بازی بوده به کمک باد صبا موفق به بردن جایزه می گردد. نشانه هایی از این دست در اشعار بسیار است که حاکی از جایگاه بازی و اسباب بازی در یاد گیری و مشق زندگی به کودکان دارد.

از خاقانی در قرن ششم که نام بازی و اسباب بازی هایی را در اشعار خود می آورد نیز نمونه دیگری بر این مدعی است. سرمامک بازی قایم باشک، کعب استخوان قاپ و طبطاب نیز نوعی چوگان بازی است .

به فرفره به مشاق و به کعب^۱ و سرمامک^۲

همچنین سنایی غزنوی در قرن پنجم هجری در باره قصه و قصه گویی دختران و عروسک بازی آنان شعری سروده که نشان از بازی با اسباب بازی دارد.

دختران چون فسانه پردازند

دوک ریسند و لعبتک بازند

وان فسانه حدیث چرخ کبود

سر افسانه هرچه بود و نبود

اکنون از اسباب بازی های دست ساز ایرانی جز خاطراتی در ذهن افراد کهن سال آن هم بیشتر در روستاها و شهر های دور از پایتخت چیز زیادی باقی نمانده است. ساختن اسباب بازی و یاد دادن آن بین دونسل (والدین و فرزندان) افزون بر ارتباط بین نسلی و ایجاد رابطه های عاطفی، دست ورزی و استفاده و بهتر نگریستن به محیط پیرامون زندگی را به کودک یاد می دهد.

بازی با عروسک برای دختران مشق زندگی است و تمرینی است برای آینده. سنایی غزنوی در یکی از اشعار خود به خوبی به این مسئله اشاره می کند:

مادران و زنان ، از آن به مجاز

کودکان را کنند لعبت باز

تاش چون شوی (شوهر) خواستار آید

آن، به کدبانویش ، کار آید

تا چو بگذاشت لعبت بی جان

لعبت زنده پرورد پس از آن

همچنین در اشعار دیگری از سنایی اهمیت بازی و نقش آن را در تربیت کودکان می بینیم. این شاعر در حدود هشتصد سال پیش اشاره می کند که اگر بخواهیم پسران دلیر و جنگجو تربیت شوند باید ابتدا با شمشیر چوبین تمرین کنند تا در بلوغ و هنگامی که مرد کاملی شدند شمشیر چوبین آنها مانند ذوالفقار حماسه بیافریند. از سویی به تربیت دختران اشاره می کند که مادران باید برای دختران عروسک فراهم کنند تا آنها با بازی با عروسک کدبانویی و مدیریت امور خانه را یاد بگیرند و با تربیت عروسکی بی جان بیاموزند که در آینده چگونه طفلی جاندار را نگهداری کنند. از سویی در باره کسب و کار نیز اشاره می کند که چگونه باید پسران با بازی در نقش فروشنده در مغازه هایی خیالی خرید و فروش در مغازه های واقعی در بزرگسالی را بیاموزند. با بررسی در این ابیات از سویی اهمیت بازی و بازیچه دیده می شود و از سویی یگر تربیت بین نسلی مطرح می گردد.

عالم طبع و وهم و حس و خیال	همه بازیچه اند و ما اطفال
غازیان طفل خویش را پیوست	تیغ چوبین از آن دهند به دست
تا چو آن طفل مرد کار شود	تیغ چوبینش ذوالفقار شود
مادران پیش خویش از آن به مجاز	دختران را کنند لعبت باز
تاش چون شوی خواستار آید	آن به کدبانویش به کار آید
تا چو بگذاشت لعبت بی جان	لعبت زنده پرورد پس از آن
طفل دکانک از پی آن کرد	تا به دکان رسد چو گردد مرد

از سویی باعث زنده ماندن این بخش از فرهنگ می گردد. برخی از کشور های دنیا روش ساخت اسباب بازی های سنتی خود را در فهرست میراث ناملموس یونسکو جهانی کرده اند.

در بررسی های بیشتر اشعار به انواع جنس اسباب بازی و عروسک برخورد می کنیم که برای کودکان درست می شده است. خاقانی در ابیات زیر مثالی از عروسکی از جنس استخوان می زند که نمادی است از عشق زمینی در برابر عشق الهی و مقایسه می شود با مظهر عشق و توصیه می کند که در خدمت جاه و مقام نباش. اما در خلال این مفاهیم عرفانی به فرهنگ رایج در قرن ششم پیمی بریم که اسباب بازی های از چه جنسی و در چه وضعیتی قرار دارند.

جان مده در عشق زور و زر که ندهد هیچ طفل
لعبت چشم از برای لعبتی از استخوان

حتی ما در اشعار مولانا به عروسک آیینی برمی خوریم که کار کرد سحر و جادو داشته است. اغلب پژوهشگران این عروسک را به عنوان عروسک وودو^۴ می شناسند و پیشینه ای در ایران برای آن متصور نیستند در حالیکه شاعر بزرگ ایرانی در هشتصد سال پیش اشاره ای به این عروسک و وجود آن در فرهنگ و ادبیات این کشور دارد.

لعبت صورت مرا دوخته ای به جادوی
سوزن های بوالعجب در دل من خلیده ای
در بخش های دیگر این شعر نیز اشاره ای دوباره به عروسک از جنس استخوان شده است.

از پی سی طفل را در یک بساط
آن سه لعبت ز استخوان آخر کجاست

بستر فرهنگی در خانواده ایرانی

^۴- عروسکی است مربوط به فرهنگ هایبیتی که فرد جادو گر می تواند با ساختن آن از راه دور به فردی با فرو کردن سوزن درون عروسک، صدمه بزند. این باور به تدریج در فرهنگ های افریقایی و اروپایی نیز رسوخ کرده است.

مادر و پدر ایرانی چه در فضاهای شهری و چه در فضا های روستایی به علت غنای فرهنگی که در این کشور موجود است کودک خود را در بستری از نقش، رنگ و طرح بزرگ می کند. بافته ها و منسوجات نقوش جالبی برای تقویت هوش مکانی در کودکان می گردد. نقوش زیبای گلیم و فرش ایرانی خود عامل تقویت شناخت فرهنگی در رشد کودک می گردند. کودکی که در روی فرش و نقوش اسلیمی عروسک خود را می خواباند و یا پسری که با حاشیه فرش و بر روی نقوش خرطوم فیلی ماشین بازی می کند بدون اینکه خود متوجه باشد با فرهنگ کشور خود آشنا می شود. امروزه اهمیت نقوش به قدری زیاد است که تبدیل به کتابچه های نقاشی بزرگسال شده است. به عنوان نمونه عروسک روسی ماتریوشکا نقش پر رنگی در عرصه های فرهنگی بازی کرده است. برچسب و کتابچه نقاشی با موضوع ماتریوشکا نیز وارد بازار شده و طیف وسیعی از مخاطبین را جذب خود می کند. پس نباید از تاثیر هنر و نقوش ایرانی بر روی تربیت کودکان غافل شد.

ساخت اسباب بازی های دست ساز

دکترفرزانه خمارلو روانشناس کودک در این زمینه می گوید: "بهترین اسباب بازی برای کودک آن است که کودک را مجذوب خود کند و او باره به سراغ آن برود و تحریک و لذت بیشتر و بیشتری از آن کسب کند و این اصلاً به گران بودن یا ارزان بودن اسباب بازی ارتباطی ندارد. نکته مهم این است که این اسباب بازی بتواند در یادگیری کودک نقش داشته باشد. از دیدگاه روانشناسان اسباب بازی ها باید به گونه ای باشند که بتوانند قوه تخیل کودکان را تحریک کنند پس اسباب بازیها هر چه غیر اختصاصی تر باشند و راه را برای پیشروی تخیل کودک باز بگذارند، بیشتر مفید خواهند بود مثلاً شاید یک تکه چوب که می توان از آن به عنوان شمشیر یا عصا استفاده کرد بیشتر از یک عروسک با لباس های گران قیمت که فقط می تواند یک شخصیت داشته باشد به خلاقیت کودک کمک کند"

اسباب بازی های دست ساز یا مردم ساخت به آن دسته از اسباب بازی هایی اطلاق می گردد که از ذهن سازنده تراوش می کند و برای کودکان ساخته می شوند. این دسته از اسباب بازی های عمدتاً ساده هستند و از قوانین ابتدایی فیزیکی مثل اهرم و چرخ پیروی کرده و یا از اتصالات ساده مانند چفت و بسط و یا دوخت و دوز ساده تشکیل شده اند. از همین رو می توانند با کودکان ارتباط ساده ای برقرار کنند و هوش های حرکتی، فضایی و یا عاطفی و اجتماعی کودکان را تقویت کنند. برای مثال اسباب بازی موشموشک که از قرقره های چوبی خیاطی مادران و یک قطعه صابون و چوب بستنی و کش درست می شود، می تواند حرکت کند و انرژی پتانسیل را به انرژی حرکتی تبدیل میکند. کودک از حرکت خود به خود این بازیچه لذت می برد چرا که یک جسم بی جان را به یک جسم متحرک بدل می کند. یا اسباب بازی چوب پا کمک می کند تا کودک هوش حرکتی خود را تقویت کرده و بین دست، پا و ذهن خود تعادل برقرار نماید. همچنین بازی با عروسک های ساده پارچه ای که مادران از تکه های چوب، سنگ و یا پارچه برای دختران خود می دوزند به علت داشتن جنس طبیعی به خوبی با دختران ارتباط برقرار می کند و کودکان می توانند با این عروسک ها بازی کنند. از سویی وقتی کودکان شاهد مراحل ساخت این اسباب بازی ها قرار می گیرند هوش فضایی شان تقویت شده و تخیل و خلاقیت شان پرورش پیدا می کند. دارای داستان ماهر و ذهن پویایی می شوند و اسباب بازی به صورت غیر مستقیم به رشد و تکامل کودک کمک می کند.

پیشنهاد برای جشنواره های بعدی اسباب بازی

دفتر کودک و نوجوان پژوهشگاه پیشنهاد می کند تا از سال های بعد بخش احیای اسباب بازی های سنتی به بخش جشنواره افزوده شود تا به این طریق سازندگان و پژوهشگران حوزه اسباب بازی تشویق می شوند تا به ساخت و احیای نمونه های قومی و تاریخی اسباب بازی

بپردازند. پژوهشگاه نیز در بخش پژوهش و تکمیل پرونده روش ساخت اسباب بازی های سنتی در فهرست میراث ناملموس همکاری خواهد نمود. با تعامل پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و ایده پردازان و سازندگان اسباب بازی می توان گام های مثبتی به سوی تولید اسباب بازی ایرانی با زمینه فرهنگی برداشت.

لیلا کفاش زاده - امرداد ۱۳۹۶